

## The Requisites for Transcendental Education in the Second Step of the Islamic Revolution<sup>1</sup>

Mohammad Mehdi Nabizadeh

4th level student, Qom seminary, Qom, Iran. fa43158@gmail.com

### Abstract

The purpose of the present study is to review the requisites for transcendental education in the Second Step of Islamic Revolution. The method of study is descriptive-analytic and the results indicate that in the Second Step of Islamic Revolution, education of teenagers and youngsters who are pioneers of the Islamic government to reach its divine goals has the first degree of importance and that the emphasis of the Statement of the Second Step on the pivotal role of youngsters adds to this significance. It seems that issues such as education of individuals based on having concern about the purposes and goals of the Islamic Revolution, focus on individual education and the needs of audience, centrality and authority of clergymen and the network of religious propagation as the educators of transcendental education, mosques as the hardware grounds for the substantiation of this subject, consideration for cultural, ethnic, and environmental condition of the audience, direct and indirect monitoring of the students, and creating and fostering the spirit of responsibility and hopefulness among them are considered as the most important requisites for transcendental education and if they are regarded as work principles in the process of education, optimum results will be achieved.

**Keywords:** Education, Transcendental Education, Statement of the Second Step of Revolution, Youngsters.

---

1. **Received:** 2021/12/122 ; **Revision:** 2022/01/24 ; **Accepted:** 2022/03/10

© the authors

<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>

**Publisher:** Teacher-Propagator Training Center of Seminaries



## بایسته‌های تربیت متعالی در گام دوم انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

محمد مهدی نبی‌زاده

دانش‌آموخته سطح ۴، حوزه علمیه قم، قم، ایران. fa43158@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی بایسته‌های تربیت متعالی در گام دوم انقلاب اسلامی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که در گام دوم انقلاب اسلامی، تربیت نوجوانان و جوانان که پیشران نظام اسلامی در رسیدن به آرمان‌های الهی باشند، در درجه اول اهمیت قرار دارد و تاکید بیانیه گام دوم بر نقش محوری جوانان، بر این مهم می‌افزاید. آنچه می‌تواند منجر به پرورش چنین افرادی شود، تربیت با روش تربیت متعالی است. به نظر می‌رسد اموری از قبیل تربیت فرد بر اساس دغدغه‌مندی نسبت به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، تمرکز بر تربیت فردی و نیازهای تک‌تک مخاطبین، محور بودن و مرجعیت روحانیت و شبکه تبلیغ دین به عنوان مربی تربیت متعالی، مسجد به عنوان بستر سخت‌افزاری تحقق این امر، توجه به شرایط فرهنگی و قومی و زیستی مخاطب، نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر متربیان و ایجاد و تقویت روحیه تکلیف‌گرایی و ملکه شدن روح امیدواری، مهم‌ترین بایسته‌های تربیت متعالی به حساب می‌آیند که اگر در فرآیند تربیت به عنوان اصول کار در نظر گرفته شوند، مقصود حاصل خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، تربیت متعالی، بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان.

۱. **استناد به این مقاله:** نبی‌زاده، محمد مهدی (۱۴۰۱). بایسته‌های تربیت متعالی در گام دوم انقلاب اسلامی. *تربیت متعالی*، (۱۱)، ص ۹۹-۱۲۰.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

## ۱. مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب سه مسئله مهم و اساسی بیش از همه مورد نظر رهبران قرار گرفت:

الف. درک عمیق جامعه ایران نسبت به حقیقت و ماهیت دینی و الهی انقلاب اسلامی،

ب. تربیت نیروی کافی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی و آرمان‌های مترقی امام خمینی که همانا تشکیل حکومت اسلامی در سایه عمل به دستورات دین بود،

ج. صدور انقلاب و تفکر توحیدی به سراسر جهان به منظور ایجاد زمینه برای ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج).

ولی به نظر می‌رسید برای نیل به این اهداف، آنچه نسبت به امور دیگر دارای اولویت است، تربیت نیرو باشد؛ چرا که به طور طبیعی رسیدن به یک آرمان، در گرو وجود کسانی است که به‌گونه‌ای تربیت شده باشند که بتوانند آن را محقق نمایند. در حادثه کربلا نیز علت اصلی تداوم و بالندگی این تفکر، شخصیت امام سجاد (ع) و حضرت زینب کبری (س) بودند که هم در بالاترین رتبه عمل به تفکر عاشورایی قرار داشتند و هم به بهترین نحو آن را تبلیغ نمودند. نظام اسلامی ما نیز که مبتنی بر یک‌سری آرمان‌ها و شعارها است، نیازمند افرادی می‌باشد که بتوانند آن‌ها را به پیش برند و پر واضح است کسانی به این امر توفیق می‌یابند که تربیت شده و رشد یافته بر اساس مکتب اسلام انقلابی و به عبارت دیگر اسلام ناب باشند؛ بی‌شک اگر نظام اسلامی برای تربیت چنین افرادی همت نگمارد، در آینده‌ای نه چندان دور با مشکلات عمده‌ای همچون انحراف از مسیر اولیه خویش و دور شدن از آرمان‌های امام خمینی مواجه خواهد شد.

تربیت با رویکرد مذکور مبتنی بر یک‌سری بایسته‌ها بوده که عدم توجه به آن‌ها در این فرآیند، مانند تحقق معلول بدون علت است.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر دستیابی به یک نظام جامع و کارآمد بایدهای تربیتی است که ظرفیت ایجاد وحدت رویه در کارهای تربیتی مختلف را دارا باشد و بتواند متولیان این امر را به یک تفاهم جمعی و توافق برساند؛ ضمن آنکه رسالتی که بر عهده نظام اسلامی ایران در زمینه ارائه مدل جدیدی از حکومت در جهان، بویژه اینک که وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷) بر اهمیت و ضرورت کنکاش در این مسأله می‌افزاید.

## ۲. پیشینه پژوهش

بایدهای تربیت به صورت کلی در کتاب‌های تربیتی تحت عنوان اصول یا اهداف و امثال آن مطرح شده است. در برخی موارد با این عنوان و یا نزدیک به آن کتاب‌هایی نوشته شده و تحقیقاتی شکل گرفته

که در ادامه به برخی از آن‌ها و وجه تمایز موضوع پژوهش حاضر اشاره خواهد شد. صادقی رودسری (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان بایدها و نبایدها در تربیت کودکان و نوجوانان، شیوه‌های ارتباطی در شبکه خانواده را ترسیم کرده و به سوالات پدران، مادران و معلمان در زمینه تربیت کودکان پاسخ می‌دهد.

بلوستین<sup>۱</sup> (۱۳۹۰)، نیز در پژوهشی با عنوان ۱۰۰۱ باید و نباید تربیت فرزند، به بررسی و تبیین رفتار والدین و کودک بر اساس اصول روان‌شناسی کودک می‌پردازد. نگارنده با بهره‌گیری از آخرین و اصولی‌ترین یافته‌های دانش روان‌شناسی، مسائل و مشکلات مربوط به تربیت کودکان و نوجوانان را بازگو نموده و راهکارهای علمی و روش‌های صحیح مقابله با این مشکلات را معرفی کرده است. مباحث این پژوهش بیشتر حول محور «مدیریت رفتار در خانواده» هستند.

حیدری، امانیان و مظلوم (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان تربیت بایدها نبایدها، به بررسی تربیت خودانگیخته و همچنین تربیت مؤثر در نظام آموزشی و تربیتی پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده تا با نگاهی متفاوت به تربیت، در عین پرداختن به بایدهای تربیت فرزندان، زمینه‌ساز افزایش انگیزه فراگیران این مکتب شود.

عصاری (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان بایسته‌های تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و روایات از بدو تولد تا هفت سالگی، به ارائه نکات مربوط به اصول تربیتی در دوره‌های مختلف رشد از بدو تولد تا هفت سالگی در خانواده از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان داد که والدین پس از آشنایی با این اصول و روش‌ها و با به‌کارگیری آن‌ها، می‌توانند وظیفه خطیر خویش در امر تربیت را به نحو احسن انجام دهند.

اخوت و ادیب (بی‌تا)، در پژوهشی با عنوان سند بایسته‌های تربیت کودک طیب، به بررسی تربیت اسلامی کودک در خانواده اسلامی پرداخته است. در این پژوهش حقایقی که برای شناختن بهتر کودک لازم است در باور والدین، مربیان و نهادهای مسئول درباره کودکان وجود داشته باشد و در عمل و رفتار با کودک در نظر داشته باشند، معرفی شده است.

بلوکی و مصلح‌نژاد (۱۳۹۲)، در پژوهشی پیرامون زمینه‌های بایسته تربیت کودک در مرحله پیش از تولد از منظر قرآن، به این پرسش که زمینه‌های تربیتی کودکان پیش از تولد چیست، پاسخ داده‌اند. بیان اهمیت فرزندآوری از دیدگاه اسلام و وظایف اساسی دختران و پسرانی که برای تشکیل خانواده و امر خطیر

1. Jane Bluestein

فرزندآوری تصمیم گرفته‌اند، از جمله موضوعات طرح شده در این پژوهش است. همچنین مذاقه در امر ازدواج و همسرگزینی و مراقبت‌های دوران بارداری، اهمیت تغذیه و تاثیر آن در روح و جسم کودک، اهمیت محیط، جامعه و نقش وراثت از منظر قرآن، از دیگر نکات مورد بررسی در این پژوهش است.

صدری‌فر و موسوی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان بایسته‌های مریبان در تربیت دینی، به این موضوع می‌پردازند که یک مربی قبل از ورود به امر تربیت، بایسته است که نکاتی را لحاظ نماید تا بتواند متری را به نقطه مطلوب برساند. این پژوهش با استناد به متون دینی، به بررسی نکته‌هایی که باید مورد توجه مربی قرار گیرد، پرداخته است.

آنچه پژوهش حاضر را از موارد مشابه متمایز می‌نماید، یکی انتزاع شاخص‌های باید‌ها از میدان عملیات تربیت و نه صرفاً بایده‌ساز برای میدان و مبتنی بر ایده؛ و دیگری در نظر گرفتن عنصر انقلاب اسلامی به عنوان یک ملاک و شاخص اصلی و اساسی در باید‌ها و مؤلفه‌های تربیت می‌باشد که بدون آن رسیدن به تربیت مطلوب ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، تربیت متعالی را می‌توان نسخه متری از تربیت دانست که متری تحت برنامه خویش را متناسب با زیست در نظام مبتنی بر فقه اصیل جواهری و با محوریت ولی فقیه تربیت می‌کند.

### ۳. مفهوم‌شناسی

#### ۳-۱. تربیت

تربیت به معنای عام کلمه، گستره مفهومی وسیعی دارد که شامل غیرانسان مانند گیاه و حیوان نیز می‌شود (جوهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۴۹-۲۳۵۰؛ چراغ چشم، ۱۳۸۹، ص ۱۵). در مورد کاربرد این واژه در خصوص انسان نیز تعاریف متعدد و متنوعی مطرح گردیده که در بعضی، عنصر دین مدنظر قرار گرفته و در برخی دیگر بدون در نظر گرفتن این شاخص، تعریف شده است (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰-۹). آنچه در این مجال از مفهوم تربیت مورد بحث قرار می‌گیرد، با لحاظ ویژگی دینی می‌باشد؛ علاوه بر این، خصوصیت متعالی بودن نیز مبین مفهومی از تربیت است که در پژوهش حاضر مدنظر قرار خواهد گرفت که توضیحات ذیل مفهوم متعالی، مقصود از اِتصاف تربیت به آن را روشن تر خواهد کرد.

تربیت از نظر ریشه لغوی، مصدر باب تفعیل بوده و چون فعل ناقص است، وقتی به باب فَعَّلَ یَفْعَلُّ برده می‌شود، مصدرش بر وزن تَفْعَلَةُ می‌آید، مانند: زَكَّى یَزْكِي تَزْكِيَةً (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۹۸) از «رَبَوَ» گرفته شده (فراهیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۸۳؛ مصطفوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۴) که بر اساس قواعد اعلال در زبان عربی حرف عله ماقبل مفتوح، به الف تبدیل می‌شود (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۶). همچنین در آن

معنای زیادت اخذ شده، لذا، ربّ الشیء یعنی آن چیز زیاد شد و به معنای تغذیه کردن و رشد دادن چیزی اعم از انسان و گیاه و مانند آن به کار می‌رود (جوهری، بی تا، ج ۶، ص ۲۳۵۰-۲۳۴۹). علاوه بر این، معنای پروراندن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۶۰۱) و پرورش فکری و اخلاقی دادن به خصوص نسبت به فرزند و جوان را دارد (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۱). برای تربیت ریشه دیگری نیز در بعضی کتب لغت آمده که طبق آن از «رَبَّتَ» گرفته شده و همان معنای پرورش دادن کودک را دارد (جوهری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۹). برخی نیز معتقدند از فعل مضاعف «رَبَّبَ» مشتق شده (مرتضی زبیدی، بی تا، ج ۲، ص ۴) و صاحب نظرانی در حوزه تربیت این دیدگاه را مطابق با مفاهیم قرآن کریم و منطبق بر معنای تربیت دانسته‌اند (باقری، ۱۳۹۹، ص ۵۲). هر کدام از مفاهیم که در نهایت انتخاب شود، معنای پرورش فکری و روحی و رفتاری از آن قابل استفاده است.

معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از ایجاد تغییرات مطلوب در انسان و به عبارت دیگر و بهتر، ایجاد تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن و شکفتن استعدادهای آدمی؛ همچنین عبارت است از پروردن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب و انتقال طرز تفکر و احساس عمل یک جامعه به آیندگان (قائمی، ۱۳۵۸، ص ۵۰). به طور خلاصه، تربیت عبارت است از زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادها و جهت مطلوب دادن به آنها. تربیت در اصطلاح هر مکتب، ناشی از دیدگاهی است که آن مکتب نسبت به انسان دارد؛ به عبارت دیگر، به هدف و غرضی قائم بوده که مورد نظر آن مکتب است. با توجه به هدف‌های اسلامی، تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای انسان و ایجاد تعادل و هماهنگی در آنها در جهت رسیدن به کمال مطلوب او، یعنی قرب خدا (چراغ‌چشم، ۱۳۸۹، ص ۱۶). در این تعریف به واسطه جهت‌گیری تربیت به سوی تقرب به خداوند، ویژگی متعالی را نیز در بر خواهد داشت. از دیدگاه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز تربیت عبارت است از فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

در نهایت، مقصود از تربیت به خصوص با وصف متعالی، تربیت بر مبنای مکتب تشیع و متناسب با زیست مؤمنانه در جامعه مبتنی بر فقه اسلامی تحت زعامت ولی فقیه به عنوان نائب عام امام زمان (عج) است.

## ۲-۳. متعالی

متعالی به معنای بلند شونده، اسم فاعل از تعالی به کسر لام است و باب تفاعل از فعل ناقص (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۱۸۵) از علو به معنی ارتفاع گرفته شده (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۷) و به معنای رفیع‌المقام است. طبرسی می‌گوید: متعالی و عالی هر دو یکی است، به قولی متعالی، مقتدری را گویند که محال است کسی با آن مساوی باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۹). بر این اساس، جهت‌گیری آسمانی و الهی در این مفهوم مأخوذ است. لذا، تربیت متعالی یعنی تربیتی که مقصود اصلی و نتیجه آن رفعت مقام تربی و به عبارت دیگر، حرکت در مسیر کمال انسانی و جانشینی خدای متعال باشد (بقره، ۳۰). همچنین باید توجه داشت که معنای اصطلاحی در دو مفهوم مذکور با معنای لغوی تفاوتی ندارد.

## ۳-۳. بایسته

معنای کلمه بایسته عبارت است از واجب و لازم (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۳۳۶). آنچه برای رسیدن به مقصود و مطلوب ضروری (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۶۹) - ناگزیر و غیرقابل اجتناب و اجباری - باشد را بایسته گویند. بنابراین، در این تحقیق منظور از بایسته، مواردی است که برای تحقق عینی تربیت متعالی لازم و غیرقابل چشم‌پوشی هستند.

## ۴. بایسته‌های نظام تربیت متعالی

بایسته‌ها و بایده‌های متعددی در تربیت متعالی وجود دارد که محدود به نظام آن و مرئیان نیست، در برخی موارد در حوزه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات بالادستی کارهایی از قبیل اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اصلاح کتب درسی، دقت در جذب معلمان و اساتید و تلاش در جهت ایجاد محیط سالم و زمینه‌ساز تربیت، لازم است. برای مترئیان نیز بی‌شک الزاماتی همچون توجه و اطاعت عاقلانه و در چارچوب دین و تلاش روزافزون برای کسب معنویت بیشتر و ارتقای علمی وجود دارد که در این مجال امکان پرداختن تفصیلی به آنها نیست و صرفاً مهم‌ترین و اساسی‌ترین بایسته‌های نظام تربیت متعالی و مرئیان مطرح می‌شود. مبنای این درجه از اهمیت نیز معارف دینی و سیره معصومان (ع) است که توسط متولیان امر تربیت اعم از دستگاه‌ها و نهادها و افراد حقیقی در میدان عملیات تربیتی تجربه شده است. این موارد به گونه‌ای هستند که اگر به طور کامل رعایت شوند، نتیجه‌شان تربیت انسان‌ها، به خصوص جوان‌ها و نوجوان‌های در تراز گام دوم انقلاب اسلامی خواهد بود.

## ۱-۴. مسجد اصلی‌ترین بستر تربیت متعالی

تأثیر ظرف مکانی هر کاری در به نتیجه رسیدن آن، امری غیرقابل انکار است. یک انسان مستعد و با ضریب هوشی بالا در صورتی به موفقیت‌های صدچندان دست خواهد یافت که در کنار تلاش و کوشش علمی، در محیط آموزشی مناسب قرار گیرد و غالباً هرچه سطح علمی و امکاناتی آن مرکز بالاتر باشد، وی نیز به مراتب عالی‌تر ارتقاء خواهد یافت. در فرآیند تربیت متعالی، تأکید بر بهره‌گیری از بستر مسجد به عنوان سخت‌افزار کار است؛ چرا که از یک طرف کارکرد عبادی آن بی‌بدیل است؛ تراث معارفی اسلام، مسجد را جایگاه سجده و سجده را اوج عبادت و بندگی انسان برای خدا معرف می‌نماید، «السجودُ منتهی العبادة من بنی آدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲، ص ۱۶۴). در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است؛ لذا، در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد بیش از هر بُعد دیگری تأکید شده است (جن، ۱۸؛ اعراف، ۲۹). از طرف دیگر، در کنار جنبه عبادی، نقش تربیتی مسجد نسبت به آحاد جامعه غیرقابل انکار است؛ از این جهت که با ایجاد زمینه‌آشنایی میان مؤمنان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش روحی-اجتماعی افراد فراهم می‌آورد و با فراخوانی پیوسته مردم، روح جمع‌گرایی را در ایشان تقویت می‌کند. علاوه بر آن، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به طور طبیعی، با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی به عنوان یک ارزش اخلاقی (مطهری، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۳۲) در افراد ارتقاء پیدا می‌کند؛ ضمن آنکه در ارتباط با حل مسائل اساسی و بنیادین جامعه، از جمله مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای آن‌ها، نهادی مؤثر می‌باشد.

همچنین مسجد، نقش محوری در جامعه‌پردازی دارد که این خود در تربیت افراد، خصوصاً از حیث اجتماعی تأثیر بسزایی دارد و سیره پیامبر اکرم (ص) شاهد بر این مدعاست؛ ایشان بعد از ورود به مدینه ابتدا دو کار را انجام دادند: اقامه حکومت اسلامی و ساخت مسجد به عنوان مرکز حکومت و اداره جامعه. امام خمینی نقش محوری مسجد را در جامعه‌پردازی اینچنین مورد اشاره قرار می‌دهند: «این مسجدالحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مراکز امور اجتماعی و سیاسی بوده؛ این‌طور نبوده است در مسجد پیامبر (ص) همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده، اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۶۷). نتیجه آنکه، مسجد نماد یک جامعه اسلامی کوچک و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. در دوران انقلاب نیز، نقش بنیادین مسجد در



مبارزه با ظلم و پیروزی بر آن، بر همگان آشکار و روشن است، تا آنجا که می‌توان مساجد را خاستگاه انقلاب اسلامی برشمرد. لذا، با توجه به جنبه‌های مختلفی که اشاره شد، مسجد که بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد، بهترین محل برای پرورش نیروهای متعهدی است که حکومت اسلامی به آن‌ها نیاز دارد؛ در سایه رفت و آمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب و منش‌های افراد تا حد زیادی هویدا می‌شود، این شناسایی، در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. مسئولان جامعه اسلامی نیز می‌توانند از این رهگذر، نیروهای متعهد و مورد نیاز خود را بشناسند و با استفاده از این ظرفیت آماده، از ایشان در جهت پیشبرد اهداف نظام بهره‌گیرند. ضمن آنکه مسجد بستر مناسبی برای نشر خوبی‌ها و فضائل اخلاقی در بین خانواده‌ها است؛ چرا که از هر خانواده و خاندانی خوبان ایشان به مسجد تردد می‌نمایند، «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدًا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيْبًا» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۹۳). البته در این حکم، دیگر مراکز مذهبی همچون حسینیه‌ها، امام‌زادگان و حوزه‌های علمیه مشترک هستند (ساجدی و کوشا، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). این بدان معنا نیست که خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه و مانند آن مکان‌های مناسبی برای تربیت افراد نیستند، بلکه اساساً حق آن است که تربیت دینی باید در همه جای جامعه دینی اتفاق بیافتد و کاری ترکیبی و همه‌جانبه است، اما سخن در اینجاست که مسجد و اماکن مذهبی بر اساس سیره معصومین(ع)، به خصوص پیامبر اکرم(ص)، در تحقق این معنا، محوریت و نقش اصلی را دارند.

#### ۲-۴. روحانیت محور تربیت متعالی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ»، «چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند (و طایفه‌ای در مدینه بمانند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را بیم دهند؟» (توبه، ۱۲۲). از این آیه فهمیده می‌شود که از شرایط تبلیغ دینی، آگاهی عمیق از آن است (قرآنی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۱۶۵). در حال حاضر، روحانیت و علمای دین که در حوزه‌های علمیه پرورش یافته‌اند، به طور طبیعی آگاهی عمیق‌تری نسبت به دیگران از آموزه‌های دین مبین اسلام دارند؛ از طرف دیگر، روحانیت، معلم جامعه است و وظیفه اصلی او تربیت آحاد افراد می‌باشد. به علاوه، برای حفظ تربیت اصیل اسلامی بر اساس فرامین و راهنمایی‌های اهل‌بیت(ع)، لازم است سردمداری، پرچمداری، محوریت و مرجعیت این حرکت بدست کسانی باشد که وارثان اصلی مکتب ائمه(ع) هستند که همانا علمای ربانی می‌باشند، «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»، «علما وارثان و جانشینان پیامبران هستند» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۵). امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: «باید آن امور انسانی، امور تربیتی به دست اشخاصی که بدانند تربیت اسلامی چیست و بدانند اسلام چه است، تدریس شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۴۱۵). هرچند تبلیغ دین منحصر در علما نیست، کما اینکه در صدر اسلام نیز آحاد امت اسلامی این وظیفه را به عهده داشتند، ولی سخن اینجاست که انجام این امر می‌بایست تحت هدایت و مرجعیت علما باشد تا از گزند آسیب‌ها از جمله افتادن در ورطه التقاط، افراط و تفریط مصون بماند.

یکی دیگر از ثمرات مهم و تاثیرگذار محور بودن علمای ربانی و انقلابی در امر تربیت، ارتقای سطح نگاه جامعه و افزایش کارآمدی نهاد روحانیت و حوزه علمیه به عنوان شبکه تبلیغ دین نسبت به مأموریت شایسته و بایسته ایشان که همانا انسان‌سازی برگرفته از سیره مسلم و مستمر پیامبر(ص) و ائمه(ع) است، می‌باشد و در صورت تمرکز بر این مسأله، جهت مطالبه‌گری مردم از نظام روحانیت مشخص تر خواهد شد و پرداختن به امور دیگر مانند رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و مانند آن که امروز در جامعه ما رواج یافته و گاهی وظیفه اصلی و اولی و ذاتی این قشر تلقی می‌گردد، اصلاح خواهد شد. هرچند کمک در این امور نیز به خصوص در شرایط فعلی جامعه یک وظیفه همگانی است و طلاب و روحانیون نیز به عنوان امامان جامعه نمی‌توانند نسبت به این امور بی‌تفاوت باشند؛ اما تکلیف اصلی و محوری ایشان، تربیت و انسان‌سازی و تهذیب نفوس بوده که ممکن است در این مسیر نیاز به این اقدامات نیز باشد.

## ۵. بایسته‌های مربیان در تربیت متعالی

مقصود از بایسته‌های مربیان در تربیت متعالی، باید‌های مربوط به مربیان مبتنی بر تعریف تربیت متعالی است و البته آشنایی کافی با علم تربیت و روحیات و نیازهای متریبان متناسب با سن و شرایط ایشان و همچنین روش‌های تربیت اسلامی و توجه به اهداف آن و نیز نقش محوری خانواده در تربیت شخص، از جمله مفروضات دانشی لازم برای مربیان به حساب می‌آید.

### ۱-۵. خدامحوری و خداگرایی ( تکلیف محوری و تکلیف گرایی )

خدای محوری از مقوله بیش و اعتقاد بوده و به این معنا است که انسان خدا را تنها آفریدگار جهان و یگانه معبود عالمیان بداند (انبیاء، ۲۵) و معتقد باشد که او اول و آخر و ظاهر و باطن همه چیز است (حدید، ۳)، فقط اوست که در عالم وجود مؤثر و منشأ است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۶۸) و تنها چیزی که شایستگی دارد در همه امور هدف باشد، کسب رضایت و خشنودی اوست که خشنودی بنده

از خدا را نیز به دنبال خواهد داشت (بینه، ۸). محور دعوت همه پیامبران بویژه پیامبر اکرم (ص) به عنوان معلم و مربی انسان‌ها در تاریخ بشر نیز همین امر بوده است؛ آنجا که فرمودند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، «بگویند خدایی جز الله نیست تا رستگار و خوشبخت شوید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۳). با تکیه بر این انقلاب و دگرگونی در جهان‌بینی‌ها است که در رفتارها و شخصیت‌ها و منش افراد تحوّل بوجود می‌آید. در همین زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَصْلَ مَعْرِفَتِهِ تَوْجِيهُهُ»، «آغاز پرستش خداوند معرفت به اوست و پایه معرفت نیز اعتقاد به وحدانیت اوست» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹). بنابراین، ایمان و اعتقاد به این اصل سبب تصحیح رفتار، اصلاح اخلاق، تزکیه نفس، پیشرفت، تعالی، رستگاری و خوشبختی انسان می‌شود؛ ضمن آنکه اعتماد و ایمان به این حقیقت، بازتاب گسترده‌ای در رفتار و عکس‌العمل‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و همواره آن‌ها را از خطاها و انحرافات گوناگون مصون می‌دارد. انفاق، ایثار، خوش‌رفتاری با همسر و فرزندان، خوش اخلاقی با مردم، یاری‌رسانی به هم‌نوعان، ترک حسد، تکبر، غرور، خودخواهی و دیگر رذایل اخلاقی از آثار تربیتی این بایسته تربیت متعالی بوده که لازم است نهادینه‌سازی آن در روح متربی وجهه همّت مربیان این عرصه باشد.

خداگرایی از مقوله‌گرایش و مربوط به بُعد عمل بوده و توحید عبادی تبلور اصلی این امر در انسان است؛ آنچه در این پژوهش مورد نظر است، خداگرایی به معنای تکلیف‌گرایی می‌باشد. انسان تربیت شده بر این اساس ملاک در هر انتخابی را تشخیص مصداق تکلیف شرعی بودن آن می‌داند و تکلیف‌پذیری و احساس مسئولیت نسبت به دین خدا، روش او در زیست مؤمنانه و بر مبنای تربیت متعالی است. این نکته به خصوص در شرایطی که حکومت اسلامی اقامه شده باشد، نقش پیشران اصلی را در رسیدن به آرمان‌ها و اهداف دارد و در کلام بزرگان از جمله امام خمینی که مبنای هر کار مهمی را مانند جنگ و دفاع مقدس، ادای تکلیف و نتیجه را فرع آن می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۴) و مقام معظم رهبری، به خصوص نسبت به جوانان، مورد تاکید قرار گرفته است (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹، ص ۳۱۳). بنابراین، مهم‌ترین اصل و پایه در تربیت متعالی دام‌محوری و خداگرایی است؛ به این معنا که مربی باید تلاش کند به‌گونه‌ای آموزش‌ها، رفتارها و برنامه‌ها را تنظیم کند که متربی بفهمد می‌بایست کسب رضایت الهی را برای خود اصل اساسی و محوری در همه امور قرار دهد. ضمن آنکه القاء اینکه محور همه تلاش‌ها، رفتارها و گفتارها خدا باشد، به ایشان می‌فهماند که زندگی الهی و حیات طیّبه، در گرو عمل به تکالیف شرعی اعم از عبادی و اجتماعی بوده و هنر

انسان این است که در هر زمان تکلیف شرعی خود را بشناسد و به آن عمل کند؛ به عبارت دیگر، حق جو باشد و هرگاه آن را شناختف با تمام وجود و تا سرحدّ جان آن را دنبال نماید و در این راه استقامت و صبر بورزد و بداند این پایداری بر اساس وعده الهی نتیجه بخش خواهد بود (فصلت، ۳۰). بر این مبنا است که این شخص اگر منصب و مسئولیتی پیدا کرد، آن را وسیله‌ای برای خدمت‌گذاری و نه وسیله‌ای برای فخرفروشی، مال‌اندوزی و خودمحوری قرار می‌دهد. از این مسئله می‌توان به عنوان نقطه عطف تربیت متعالی و امتیاز اصلی آن نسبت به مدل‌های دیگر تربیت یاد کرد.

مربیان در تربیت متعالی که عهده‌دار ساختن شخصیت جوانان و نوجوانان هستند، در وهله اول باید خویشتن خویش را بشناسند و به تربیت و تزکیه نفس خود پردازند (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۲۹) و اعتقاد به خدا را محور باورها و کسب رضایت او را، سمت و سوی حرکت‌ها و رفتارهای خویش قرار دهند تا بتوانند مربیان را در برداشتن این گام مهم یاری نمایند؛ بی‌شک عامل بودنِ مربی به اصل مذکور، اثر تکوینی بر شخصیت مخاطب وی خواهد داشت که شعر حافظ نیز ناظر به این نکته مهم و اساسی در تربیت است:

ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی \* تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

(حافظ، ۱۳۹۱، غزل ۵۷۳).

## ۵-۲. تمرکز بر تربیت فردی و کادرسازی تخصصی

فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی که در جامعه انجام می‌شود را می‌توان در یک تقسیم‌بندی، به اعتبار چگونگی توجه به مخاطب و تمرکز بر تغییر رفتار ایشان در جهت مطلوب، به دو دسته تقسیم کرد:

۱. کارهای فرهنگی عام که با هدف تأثیرگذاری در سطح عموم و نزدیک کردن بدنه جامعه به معیارهای دینی گام برمی‌دارد و رسالت اصلی آن فضا سازی مثبت در جامعه است. رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون، مجلات و نشریات، روزنامه‌ها، سینماها، فرهنگسراها و مراکز آموزشی مانند آموزش و پرورش و آموزش عالی، مسئولیت اصلی را در این زمینه بر عهده دارند. همچنین سخنرانی‌های دینی، برنامه هیئات مذهبی و کارهای فرهنگی مقطعی مانند طرح‌های اوقات فراغت تابستان که توسط مراکز مختلف اجرا می‌شود، از قبیل کارهای فرهنگی عام به‌شمار می‌روند.

۲. کارهای فرهنگی و تربیتی خاص که رسالت آن انسان‌سازی است و با هدف تربیت عناصر فعال جامعه‌ساز صورت می‌گیرد.

در شکل اول کار، مخاطبین، تعداد زیادی از افراد می‌باشند و پیام‌های فرهنگی و تربیتی نیز به

صورت عمومی به آنها منتقل می‌شود. سخنرانی‌های دینی و مرتبط با تربیت انسان، برنامه‌های معارفی که از طریق رسانه‌های رادیو و تلویزیون پخش می‌شوند، دوره‌های تابستانی دانش‌آموزی که توسط کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی و دستگاه‌های دیگر فرهنگی برگزار می‌شود، نمونه‌هایی از کارهای تربیتی عمومی به حساب می‌آیند. اما در تربیت متعالی توجه به تک‌تک افراد و روحیات و توانمندی‌ها و نیازهای ایشان و به عبارت دیگر، تمرکز بر تربیت فردی است. بنابراین، برای تحقق این امر نیاز به دقت فراوان به خصوصیات و ویژگی‌های هر کدام از مخاطبین بوده و همچنین ارتباط تربیتی مستمر مریبان با هدف رفتارسازی در شخص ضروری می‌باشد؛ ناگزیر در چنین شرایطی متریبان نیز تعداد محدودی خواهند بود. هرچند به طور طبیعی کسانی که توانایی بر عهده گرفتن امر تربیت با ویژگی مذکور را دارند، تعدادشان زیاد نیست و همین تعداد کم نیز معمولاً به دلیل اشتغالات عادی، محدودیت زمانی برای پرداختن به این مهم دارند و در نتیجه تعداد مخاطب کم‌تری نسبت به کارهای فرهنگی عام خواهند داشت، ولی این امر سبب نخواهد شد از ارزش کار کاسته شود؛ چرا که سیره پیامبر اکرم (ص) تربیت افراد اندک، اما تأثیرگذار مانند امام علی (ع)، حضرت حمزه، سلمان فارسی و امثال اینها بوده و ایشان به این واسطه توانستند جامعه آن روز را متحول نموده و یک نظام اسلامی مترقی ایجاد نمایند.

نمونه تمرکز بر تربیت فردی در سیره پیامبران الهی را می‌توان در کار فرهنگی - تربیتی توسط حضرت عیسی (ع) مشاهده نمود که در جای دیگر خدای متعال این‌گونه عملکرد را به پیامبر اسلام (ص) و مؤمنین توصیه می‌نماید، این دو آیه عبارتند از:

الف - «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»، «زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: [برای اقامه دین و سلوک و حرکت] به سوی خدا یاران من کیانند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم و گواه باش که ما در برابر خدا [و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم» (آل عمران، ۵۲).

علامه طباطبایی ذیل این آیه با عنوان «بازشناختن مؤمنین به خود و تشکّل دادن به آن‌ها» بحث را دنبال می‌کند و نکاتی را یادآور می‌شود که عیناً با اندکی تلخیص مورد اشاره قرار می‌گیرد: «اینکه فرمود: «فَلَمَّا أَحَسَّ...»، یعنی همین که عیسی از بنی اسرائیل احساس کفر نمود، فرمود: کیست که مرا در راهی که به سوی خدا منتهی می‌شود، یاری کند؟ و منظورش از این پرسش این بود که بفهمد از میان مردم چند نفر طرفدار حق هستند، تا روی همانان حساب کند و خلاصه بفهمد چقدر عده و عده دارد،

نیرویش در آنان متمرکز شده، دعوتش از ناحیه آنان منتشر شود و این خصیصه هر نیروی طبیعی و اجتماعی (فیزیکی و مکانیکی) و امثال آن است که وقتی می‌خواهد دست به کار شده و هر جزء از آن یک ناحیه را اداره و در آن عمل کند، باید نخست مرکزی و کانونی داشته باشد تا همه نیروهای جزئی‌اش در آن محل متمرکز شود و آن مرکز تکیه‌گاه نیروهای جزئی و کمک‌رسان به آن باشد، وگرنه صدها نیروی جزئی و پراکنده، کاری از پیش نمی‌برند، بلکه همه هدر می‌روند. نظیر این عمل که عیسی (ع) انجام داد، چند نوبت در دعوت اسلام پیش آمد، یکی بیعت عقبه بود که قبل از هجرت رسول خدا (ص) مردم مدینه در عقبه منا جمع شدند و با آن جناب بیعت کردند، و یکی هم بیعت شجره یا بیعت رضوان بود که در جریان صلح حدیبیه اتفاق افتاد، رسول خدا (ص) نیروهای متفرق را یکجا جمع کرد تا بتواند دعوت خود را به نتیجه برساند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۱۸-۳۱۶).

ب- «یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصارا لله كما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصار الله فآمنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فأیدنا الذین آمنوا علی عدوهم فأصبحوا ظاهرین»، «ای اهل ایمان! یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم. پس، طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند، در نتیجه کسانی را که ایمان آوردند، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند» (صف، ۱۴).

همان‌طور که واضح است، خداوند متعال این روش حضرت عیسی (ع) و یاری حواریون را به عنوان الگو در این آیه به مؤمنین توصیه می‌نماید. با اندکی تأمل در این دو آیه، به وضوح لزوم کار تربیتی بر روی عده‌ای خاص که از آمادگی بالاتری برخوردار هستند و تمرکز بر تربیت فرد فرد ایشان فهمیده می‌شود که این همان بایسته مهم در تربیت متعالی می‌باشد؛ تربیت این افراد با هدف اثرگذاری دینی و اصلاح جامعه توسط ایشان است. در حال حاضر نیز هرچند در جامعه کنونی، با کفر جمعیت کثیری از مردم مواجه نیستیم، اما آنچه وضعیت ما را شبیه موقعیت حضرت عیسی (ع) و زمان پیامبر (ص) می‌کند، ایمان سطحی اکثر مردم و بروز رفتارهای منافی با دستورات دین می‌باشد. لذا، وظیفه عالمان و آگاهان دلسوز و توانمند برای انجام امر تربیت در این شرایط، کار فرهنگی خاص در عین انجام کارهای عمومی است که با الگوگیری از عملکرد انبیاء، میسر خواهد شد. ایشان بدینوسیله با پرورش نیروهایی چند، زمینه را برای تشکیل شبکه‌های اجتماعی آماده نموده و موجبات کار فرهنگی - تربیتی در سطح وسیع را فراهم می‌آوردند.

### ۳-۵. توجه به بوم و شرایط فرهنگی و سطح درک متربیان

در نظر گرفتن سطح درک مخاطب و شرایط زیستی او در تربیت آحاد جامعه توسط پیامبران، یک اصل به حساب می‌آید. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳). «پیامبر (ص) هرگز با مردم مطالب را بر اساس ژرفای فکری خودش سخن نگفت، او فرمود: ما گروه پیامبران، امر شده‌ایم با مردم به اندازه فهمشان سخن بگوییم». همچنین آداب و رسوم محلی و عادات قومی، اثر مستقیمی بر شخصیت فرد دارد و لذا در مقام تربیت، مربیان می‌بایست به این موضوع توجه تام داشته باشند، چرا که یکی از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در تربیت افراد، همین نکات هستند و حال که در این سنخ از تربیت بنا است به تک‌تک متربیان و ویژگی‌های ایشان توجه شود، در نظر گرفتن فرهنگ قومی و بومی در تربیت شخص ضروری می‌نماید.

### ۴-۵. نظارت آشکار و پنهان بر متربی

همان‌طور که گذشت، یکی از بایسته‌های مهم مربیان در تربیت متعالی، توجه و تمرکز بر تک‌تک متربیان بوده و ضرورت نظارت نیز برگرفته از همین امر و به دنبال آن است. «نظارت در مطالعات اجتماعی به ابزار و روش‌هایی می‌گویند که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات جامعه به‌کار می‌رود. در یک جامعه، هنگامی نظارت تحقق می‌یابد که رفتار فرد با آنچه از او انتظار می‌رود، هماهنگی لازم را داشته باشد» (کوهن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷). در تعریف دیگری که انطباق بیشتری با مفهوم مورد نظر در این مقوله دارد، «نظارت به مجموعه شیوه‌ها، تدبیرها و وسایلی اشاره دارد که هر گروه با استفاده از آن، اعضایش را به رعایت قواعد، هنجارها و آداب و شعائر پذیرفته شده خویش وامی‌دارد» (بیرو<sup>۲</sup>، ۱۳۸۰، ص ۳۴۸). در این مقام، مربی در عین رعایت اصول تربیت اسلامی، تلاش می‌کند نحوه و میزان بکارگیری آموزش‌های ارائه شده در رفتار و عمل شخص متربی در موقعیت‌های مختلف را مورد ارزیابی قرار دهد، همچنین تغییر رفتاری را که او در مقام خودسازی هدف‌گیری نموده بود را نیز رصد نماید؛ از این حیث که آیا توانسته در مقام عمل، آن آموزه‌ها را در رفتار و کردار خویش پیاده‌سازی نماید و به عبارت دیگر، آیا این رفتارها ملکه او شده‌اند؟ آیا آموزش‌های اخلاقی و تربیتی

1. Bruce J. Cohen

2. Allen Biro

مانند در نظر داشتن رضایت الهی، در همه فعالیت‌ها، در عملکرد او مشهود است؟ البته لازم است ارزیابی این امور چه توسط مربیان و چه والدین، به شکلی اتفاق افتد که موجب احساس ناتوانی در مستقل عمل نمودن یا تلقی عدم اطمینان مربی نسبت به وی یا ریاکاری و بروز رفتارهای نمایشی برای کسب رضایت مربی نشود. «نکته مهم آنکه، چه بسا والدین کنترل فرزندان را به محدود کردن آن‌ها تقلیل دهند، امری که نه تنها تربیت نوجوان را سبب نمی‌شود، بلکه زمینه خصومت بیشتر نوجوانان و والدین را فراهم می‌آورد» (برناردز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴، ص ۲۸۲). استاد صفایی حائری نیز در تبیین مسئولیت‌های مربی که ناظر بر همین مسأله نظارت است، می‌گوید: «و انسانی که گرفتار نسیان‌ها و غفلت‌ها است، ناچار نیازمند تذکرها و یادآوری‌ها بوده و این هم مسئولیت سوم مربی است، که با تذکرها، قطره‌های متراکم و زمینه‌های آماده را شعله‌ور کند و حرکت و پیشرفت را آماده سازد» (صفایی حائری، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

نحوه نظارت نیز گاهی مشاهده مستقیم و همراهی در انجام فعالیت‌ها است، مانند همراهی مربی با متربیان در اردوی تفریحی که در آن مسئولیت‌های مختلف را متربیان انجام می‌دهند و او از این راه می‌تواند بر عملکرد آن‌ها نظارت نماید، مانند کنترل روابط دوستی و هم‌نشینی و دقت در چگونگی آرایش و پوشش؛ و گاهی غیرمستقیم مانند گزارش‌گیری از خانواده، گرچه دقت این راه به دلیل سطح آگاهی‌های تربیتی والدین یا عدم ارائه اطلاعات دقیق، از راه قبل کم‌تر است، یا بالا بردن سطح معرفت متربیان نسبت به فضائل و رذائل اخلاقی و یا مرتبط کردن ایشان با الگوهای موفق در زمینه مؤلفه‌های مطلوب مربی در تربیت صورت می‌پذیرد. هدف از نظارت، ارتقاء سطح شناخت نسبت به متربیان و آشنایی هرچه بیشتر با نقاط ضعف و قوت ایشان و همچنین ارزیابی میزان اثرگذاری عملکرد مربی در ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری است تا بتواند با استفاده از این آگاهی‌ها، موضوعات مورد نیاز اخلاقی و آموزشی متربی را به گونه‌ای تنظیم نماید که به رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت وی در مقام تربیت منجر شود.

## ۵-۵. روحیه انقلابی

در تربیت متعالی آنچه مهم است، تربیت انسانی است که در کنار فضائل اخلاقی فردی و اجتماعی به مبانی و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی آگاهی و بصیرت کافی داشته و برای حرکت در این مسیر انگیزه‌مند و مشتاق باشد. لذا، یکی از بایدهای مهم و اصلی در تربیت متعالی، توجه به بُعد انقلابی‌گری

1. Jon Bernardes



و کارآمدی شخص تربیت شده در حل مسائل انقلاب اسلامی و قرار داشتن در افق فکری ولی فقیه و فهم ضرورت‌های زمان و دشمن‌شناسی و فهم دقیق و صحیح اهداف انقلاب و پرانگیزه برای حرکت در مسیر نیل به آرمان‌ها و در یک کلام سرباز انقلاب اسلامی و ولی فقیه بودن است. واقعیت آنکه اگر تربیت متعالی در این زمان بدون این باید و ضرورت مهم در نظر گرفته شود، مانند پرداختن به مباحث فقهی بدون توجه به نظام‌سازی فقه و فقه حکومتی و ضرورت‌های روز نظام مبتنی بر فقه اسلامی و به عبارت دیگر، عدم پویایی فقه خواهد بود. پس، لازم است مربیان امر به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که این مهم در افراد محقق شود؛ همه نهادها و دستگاه‌ها اعم از آموزش و پرورش، آموزش عالی، حوزه‌های علمیه و هر مرکز دیگری که به نحوی مسئولیت تعلیم و تربیت را به عهده دارد، هرگز نمی‌بایست از این امر غفلت نمایند؛ بر این اساس می‌توان انسان‌های متناسب با نیاز روز جامعه اسلامی و زمینه‌ساز ظهور تربیت کرد و بدون آن، تربیت اسلامی، پویا نخواهد بود. آنچه در حال حاضر در عمل، در دستگاه‌های مختلفی که متولی امر تعلیم و تربیت هستند، مشاهده می‌شود این است که فارغ‌التحصیلان این مراکز اگر ارتباطی با مراکز فرهنگی - تربیتی مانند مسجد یا بسیج یا مانند آن نداشته باشند، در عمل، نسبت‌گیری ایشان با انقلاب و ولایت و اهداف نظام کم‌تر احساس می‌شود. شاهد آنکه، گاهی هنگام حضور در این مراکز جهت تدریس و یا ارائه یک بحث علمی یا انجام یک فعالیت تبلیغی، غالب مخاطبین را نامأنوس و ناآشنا و دور از روحیه انقلابی‌گری و حتی دینی می‌یابیم. بهترین راهکار حل این مشکل آن است که محیط آموزشی به گونه‌ای باشد که خودبه‌خود فرد را به سوی فضائل سوق دهد و به عبارت دیگر کارخانه آدم‌سازی باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲، ص ۴۸۶).

#### ۵-۶. ایجاد و تقویت خُلق امیدواری و امیدآفرینی

امید داشتن انگیزه اصلی هر حرکتی است و موجود ناامید توان از پیش بردن هیچ کاری را ندارد؛ فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) به زیبایی این مطلب را در قالب کلام به تصویر کشیده است: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي، وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمَّ وَوَلَدًا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا»، «امیدواری برای امت من رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری کودکش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱). معارف اسلامی مملو از احادیث و کلمات گهربار بزرگان دین راجع به این مسأله است و تأکید دارد که انسان در هر شرایطی امیدش را از دست ندهد، چه بسا خیر و برکت غیرمنتظره‌ای از جانب خدای متعال انتظار او را می‌کشد؛ امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَزْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ (ع) خَرَجَ يَقْتَسِسُ لِأَهْلِهِ نَارًا فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجَعَ نَبِيًّا مُرْسَلًا وَ

خَرَجَتْ مَلَکَةٌ سَبَّأً فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ (ع) وَ خَرَجَتْ سَحْرَةَ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ»، «به آنچه امیدش را نداری، امیدوارتر باش از آنچه بدان امید داری؛ زیرا موسی بن عمران (ع) رفت که برای خانواده اش آتش بگیرد، ولی (در آنجا) خداوند عزوجل با او به سخن درآمد و سپس در کسوت پیامبری بازگشت. ملکه سبأ نیز از کشور خود بیرون آمد، ولی با سلیمان مسلمان شد. جادوگران فرعون برای تقویت قدرت فرعون بیرون آمدند، ولی مؤمن برگشتند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۵). در انقلاب اسلامی نیز امام خمینی همواره بر دمیدن روح امید در جامعه و احتیاج همه اقشار مردم به این امر برای رسیدن به پیروزی و نقش محوری امیدبخشی تاکید داشتند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۱-۱۷). همچنین مقام معظم رهبری بارها بر لزوم توجه به مسأله امیدواری و امیدبخشی تاکید ورزیده‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹)؛ تا آنجا که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که سند حرکت چهل سال دوم نظام به حساب می‌آید، ضمن توصیف امیدآفرینی به جهاد که خود حاوی پیام مهمی در خصوص نوع نگاه به این مقوله است، آن را نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد معرفی می‌نمایند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷، ص ۳۳).

## ۶. نتیجه‌گیری

تربیت متعالی مفهوم دقیقی دارد که در آن، جهت‌گیری تقرب به درگاه خدای متعال در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه وصف متعالی، ویژگی‌ای جدایی‌ناپذیر از تربیت اسلامی می‌باشد و به اصطلاح محمول من صمیمه (صدرالدین شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۶۳) برای موضوعش است که از ذات موضوع بیرون کشیده شده و بر آن حمل شده است، دستیابی عملی به این معنا برای آحاد افراد در جامعه اسلامی به خصوص نوجوانان و جوانان و بالاخص آن‌هایی که زمینه آماده‌تری دارند، ضرورتی غیرقابل انکار دارد. رسیدن به هر مقصودی نیز در گرو گذراندن مقدمات آن است که باید‌های مطلوب مورد نظر از جمله آن‌ها به حساب می‌آیند؛ تربیت متعالی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بایسته‌هایی دارد که به دو دسته مربوط به اصل نظام تربیت و مریبان تقسیم می‌شوند که عبارتند از: استفاده از بستر مسجد یا مکان‌هایی که خاصیت معنوی و محوری در تراز مسجد داشته باشند به عنوان ظرف تحقق تربیت، مرجعیت و محوریت علمای دین و روحانیت، ایجاد و ارتقای روحیه دغدغه‌مندی و احساس مسئولیت نسبت به اعتقادات و باورهای مذهبی و نظام اسلامی مبتنی بر تکلیف‌گرایی، ایجاد و تقویت روحیه انقلابی‌گری در متربیان، تمرکز بر تربیت فردی، توجه به شرایط فرهنگی، قومی و خانوادگی متربیان، نظارت مریبان بر متربیان و در نهایت دمیدن روح امید و امیدواری نسبت به توانایی‌های خود و ظرفیت

جامعه اسلامی در رساندن انسان به سعادت دنیا و آخرت. به نظر می‌رسد با توجه تام به این موارد و نقششان در تربیت می‌توان به تحقق تربیت متعالی امید بست و از آن به عنوان راهگشای نظام اسلامی برای رسیدن به اهدافش استفاده نمود؛ چرا که نیروی انسانی دارای تربیت صحیح در نیل به اهداف و آرمان‌ها و تحقق شعارهای یک جامعه، نقش بسزا و اصلی را ایفا می‌کند. یکی از نکات بسیار مهم در تربیت متعالی، کامل شدن چرخه آن بواسطه امتداد این امر تا سر سفره مردم است؛ به این معنا که در جامعه و نظام اسلامی زمینه به‌گونه‌ای فراهم گردد که از محصولات این سنخ از تربیت در اداره جامعه در سطوح مختلف بهره گرفته شود. همان‌گونه که حضرت عیسی (ع) بواسطه امتداد اجتماعی‌ای که به تربیت حواریون داد، توانست در جامعه زمان خود اصلاح بوجود آورد و لذا الگوگیری از سیره ایشان به توصیه قرآن کریم در صورتی تکمیل خواهد شد که در نهایت اداره جامعه به تربیت‌شدگان بر این مبنا سپرده شود.

## — منابع —

## قرآن کریم.

- ابن بابویه، م. (۱۳۹۸ق). *التوحید*. محقق هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین، ج ۳.
- ابن بابویه، م. (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به حوزه علمیه، ج ۳.
- ابن شعبه حرانی، ح. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. محقق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- اخوت، ا.ر.؛ ادیب، م. (بی تا). *سند بایسته های تربیت کودک طیب*. تهران: مدرسه دانشجویی قرآن و عترت.
- باقوری، خ. (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تدوین مرتضی حاجعلی فرد. تهران: انتشارات مدرسه، ج ۱.
- برناردز، ج. (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات خانواده*. مترجم حسین قاضیان. تهران: نشرنی.
- بستانی، ف.ا. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. تهران: اسلامی.
- بلوستین، ج. (۱۳۹۰). *۱۰۰۱ باید و نباید تربیت فرزند*. بیش از ۱۰۰۰ راهکار و توصیه ساده، علمی و کاربردی در زمینه های مختلف تربیت فرزند. تدوین مریم میرزایی؛ مترجم محمد بهشتیان. تهران: بهشتیان.
- بلوکی، ا.؛ مصلح نژاد، م. ع. (۱۳۹۲). *زمینه های بایسته تربیت کودک در مرحله پیش از تولد از منظر قرآن*. اخلاق، ۳(۳۲).
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. مترجم باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- جوهری، ا. (بی تا). *الصحاح*. محقق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۶، ۱.
- چراغ چشم، ع. (۱۳۸۹). *تربیت*. تهران: کانون انتشارات اندیشه جوان.
- حافظ، ش. (۱۳۹۱). *دیوان حافظ*. قم: دفتر نشر معارف.
- حرّعاملی، م. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ج ۵.
- حلوانی، ح. (۱۴۰۸ق). *نزّه الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسه الامام المهدی (عج).
- حیدری، ج.؛ امانیان، ا.؛ مظلوم، س.م. (۱۳۹۳). *تربیت بایدها نبایدها*. در: تهران: اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵/۳/۲۹). *بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1385>
- خامنه ای، س.ع. (۱۳۶۹). *بیانات در مراسم ویژه روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع)*. قم: نرم افزار حدیث ولایت.
- خامنه ای، س.ع. (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه ای، س.ع. (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. قم: مؤسسه ایمان جهادی.
- خمینی، س.ر. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸، ۱۵، ۲۱، ۱۴.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. مترجم غ. ستوده. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۵، ۳، ۱۳.
- دیلمی، ح. (۱۴۲۷ق). *غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ائمه الاطهار (ع)*. محقق: اسماعیل ضیغم، قم: دلیل ما.
- ساجدی، ا.؛ کوشا، غ.ح. (۱۳۹۴). *روش های تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص های آن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- صادقی رودسری، ل. (۱۳۸۷). *بایدها و نبایدها در تربیت کودکان و نوجوانان*. تهران: انتشارات سخن.
- صدرالدین شیرازی، م. (بی تا). *الحکمة المتعالیة (با حاشیه علامه طباطبایی)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
- صدری فر، ن.؛ موسوی، س. ا. (۱۳۹۱). *بایسته‌های مربیان در تربیت دینی. مطالعات فهم قرآن*، (۱۱)، ص ۳۷-۵۶.
- صفایی حائری، ع. (۱۳۸۹). *مسئولیت و سازندگی*. قم: انتشارات لیلة القدر.
- عصاری، ا. (۱۳۹۶). *بایسته‌های تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و روایات از بدو تولد تا هفت سالگی*. در: مشهد: کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت.
- فراهیدی، خ. (بی تا). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، ج ۸.
- قائمی، ع. (۱۳۵۸). *پرورش مذهبی کودک*. قم: انتشارات رشاد.
- قرائتی، م. (۱۳۸۱). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۵.
- قرشی، ع. ا. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۵.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط-الاسلامیة)*. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۱.
- کوهن، ب. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*. مترجمان رضا فاضل و غلام‌عباس توسلی. تهران: سمت.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار (ط-بیروت)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸۲، ۱، ۱۸.
- محمدی، ح. (۱۳۷۸). *صرف متوسطه*. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- مرتضی زبیدی، م. (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. محقق علی شیری. بیروت: دارالفکر، ج ۲.
- مصطفوی، ح. (بی تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ج ۴.

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰/۱۰/۶. قابل دسترس در:  
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/805637>

- مطهری، م. (بی تا). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۳.
- موسوی همدانی، م. ب. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۳.
- نیکزاد، م. (۱۳۷۵). *کلیات فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: مؤسسه کیهان.